



عکس: ژانلیو است

مدافع نمادهای ظاهری هویت مادری خود باشید

مادر؛ این واژه سحرانگیز!



دکتر مهتاب علی نیاذ
جامعه‌شناس

چند وقت پیش در یکی از سریال‌های شبکه خانگی برنامه‌ای را دنبال می‌کردم که هیچ نامی از پدر و مادر در آن نبود. همان زمان، وقتی با دقت بیشتر به رفتارها و ارتباط‌های برگرفته از صمیمیت در فضای مجازی نگاه کردم، با پدیده‌ای روبه‌رو شدم که این روزها پیش از پیش در حال گسترش است، چیزی که اگر چه ممکن است نسل امروز آن را راهی برای شکستن سنت قلمداد کند، در واقع انقافی است که در سال‌های بعد اثر خود را نشان خواهد داد.

شما مادران را چگونه صدا می‌کنید؟ از کلمه «مامان» استفاده می‌کنید یا نام کوچک او؟ اگرچه در طول تاریخ اجتماعی بشر و در همه فرهنگ‌ها توافقی جهانی درباره نحوه صدا کردن والدین وجود دارد که به طور عمومی استفاده از کلمه‌های «مادر» و «پدر» است، امروزه بسیاری از ما شاهد نسل تازه‌نفسی هستیم که بنابر شرایط جدید و تغییرات اجتماعی، خواهان حذف چهارچوب‌های خشک و سنگین میان والدین و فرزندان در نسل‌های پیشین هستند.

تصور کنید در کودکی مادران را به جای «شهلاجون» صدا می‌کردید. آن وقت، هنگامی که او می‌خواست خطاهای رفتاری‌تان را به شما گوشزد کند، آیا قادر بودید در آن کودکی تازه شکل گرفته، برای شهلاجون اقتداری الزام‌آور قائل شوید و در کنار او و با حمایتش بزرگ‌شدن را بیاورید؟

➤ قدرتمند و دارای مهارت‌های حمایتگری

به‌طور معمول، همه افراد در کودکی و خانواده، همان گونه که والدین از آن‌ها انتظار دارند و خود

به آنان آموخته‌اند، از کلمات و نام‌های مشخصی استفاده می‌کنند. در گذشته صدا کردن والدین با نام کوچک برای فرزندان امری ناپسند، دور از ادب و پذیرفته‌نشده‌ای بود. اگرچه بیشتر افراد والدین را با لقب اجتماعی‌شان صدا می‌کردند، از چربی آن نام‌طالع بودند. آنان از والدین خود آموخته بودند چنین کنند و به تبعیت از نسل‌های پیشین خود، والدین نیز چنین انتظاری از فرزندان داشتند. این نوع خطاب قراردادن باعث ایجاد نوعی فاصله میان فرزندان و والدین بود به گونه‌ای که بزرگ‌تر بودن، حامی بودن و مسئول تربیت اجتماعی فرزند بودن را گوشزد می‌کرد و برخی انتظارات اجتماعی از والدین را به وجود می‌آورد.

زوجی که با فرزندآوری به والدین تبدیل شده بودند به شکل تجربی و از طریق والدین خود آموخته بودند که باید بین خود و فرزندانشان فاصله‌ای را رعایت کنند تا احترام و اهمیت جایگاه آنان نزد فرزندان مشخص باشد و در ضمن آن، بتوانند در مسیر پرورش فرزند به گونه‌ای مفید و با قدرت وارد شوند زیرا آنان حامی فرزند تلقی می‌شدند. حامی نیز باید فردی قدرتمند و دارای مهارت‌های حمایتگری باشد.

➤ اگر مشاور خوبی نیستید...

ممکن است این اصطلاح رایج را شنیده باشید: بچه‌ها همیشه برای پدر و مادرشان بچه هستند حتی اگر خودشان پدر و مادر باشند. این همان هویت مادری و پدری است. این اصطلاح به انتظارات اجتماعی‌ای اشاره می‌کند که جامعه از والدین در برابر فرزندانشان دارد. ارزش‌های اجتماعی می‌گوید شما فرزند را به دنیا آورده‌اید و در مسیر آموختن، تجربه کردن و زندگی کردن، همواره باید به عنوان حامی و مشاور در کنار او باشید. اگر مشاور خوبی نیستید، اگر چیزی برای آموختن به فرزند خود ندارید، باز هم به عنوان کانون عاطفی او موظفید برایش آغوشی امن و پناه خستگی‌ها باشید.

هویت والد بودن با برخی نمادهای فرهنگی و ظاهری نشان داده می‌شود. مادران را با کلمه «مامان» خطاب کردن یکی از همین نمادهای اجتماعی فرهنگی و به معنی پذیرش هویت مادری از سوی فرزند است. اینکه هر مادر تا چه اندازه وظایف مادری خود را به‌درستی انجام دهد امری جدا از هویت مادری است اما اینکه هویت مادری او از سوی فرزند پذیرفته شود اولین گام برای مشخص کردن سبک ارتباط مادر و فرزند است. این ارتباط چنانچه با نشانه و نمود ظاهری استفاده از کلمه «مامان» همراه باشد، پیوسته یادآور وظایف نقش مادری به مادر و وظایف نقش فرزند را برابری هویت مادرانه است.

➤ تغییر نام مادر؟

چرا حمایت از تغییر و جایگزینی نام کوچک به جای کلمه «مادر» از سوی مادران اشتباه و آسیب‌زاست؟

زیرا اولین نشانه آشکار هویت مادری را مخدوش می‌کند. در واقع، جایگزینی اسم کوچک با عنوان نقش والدین به ایجاد صمیمیت بیشتر و ارتباطی مؤثرتر چندان کمک نمی‌کند. اگرچه در ظاهر ممکن است به عنوان مادر، در برابر خانواده یا فامیل، با این سبک ساختارشکنانه، خود را فردی صمیمی با فرزند جلوه دهید، از این نکته نیز غافل نشوید که واژه «مامان» یا «مادر» علاوه بر نشان دادن نوع ارتباط بین ۲ نفر، بار مفهومی اجتماعی نیز دارد که رعایت برخی رفتارها و احترام‌ها در برابر نقش مادر را برای فرزند الزام‌آور و اجتناب‌ناپذیر می‌کند. نگهداشتن احترام با ایجاد فضای صمیمی منافاتی ندارد. شما می‌توانید رفتارهای اقتدارگرایانه افراطی و سلطه‌جویانه‌ای را که به واسطه بزرگ‌تر بودن‌تان دارید تعدیل، و رفتار مهربان و صمیمانه و دوستانه‌تری برقرار کنید. بیشتر فرزندان که مادرشان را با نام کوچک خطاب می‌کنند در جست‌وجوی حذف نقش مادری و برقراری رابطه‌ای دوستانه با مادر خود هستند. آنان از اینکه هویت مادرانه شما را به چالش کشیده‌اند اطلاعی ندارند چنان که خود شما نیز ممکن است از این به چالش کشیده شدن مطلع نباشید و به سبب خواسته قلبی‌تان که می‌خواهید با رفتار دوستانه‌تر، به فرزند خود نزدیک‌تر شوید و مادر بهتری باشید، این جایگزینی را می‌پذیرید و از آغاز زوال هویت مادری در طول زمان آگاهی ندارید. کمترین آسیب در کوتاه‌مدت حذف احترام تعریف‌شده از سوی جامعه برای هویت مادری و در بلندمدت زوال پذیرش جایگاه مربیگری مادر در پرورش فرزند است. در مسیر تغییرات اجتماعی به‌ویژه در کانون خانواده حواستان باشد که سازگار شدن با چه تغییراتی و مقاومت در برابر کدام تغییرات به پایداری یا زوال کانون خانواده منجر می‌شود. سعی کنید با مطالعه بیشتر درباره فرزندپروری به افزایش ارتباط صمیمانه با فرزندان برسید و نیاز او به صمیمیت بیشتر و نیاز خودتان به مادر بهتر بودن را تأمین کنید نه با موافقت با حذف نشانه‌های هویت مادری در خانواده و جامعه.

نگهداشتن احترام با ایجاد فضای صمیمی منافاتی ندارد. شما می‌توانید رفتارهای اقتدارگرایانه افراطی و سلطه‌جویانه‌ای را که به واسطه بزرگ‌تر بودن‌تان دارید تعدیل، و رفتار مهربان و صمیمانه و دوستانه‌تری برقرار کنید. بیشتر فرزندان که مادرشان را با نام کوچک خطاب می‌کنند در جست‌وجوی حذف کردن سلطه‌جویی‌های افراطی فرهنگی هویت و نقش مادری و برقراری رابطه‌ای دوستانه با مادر خود هستند



(۴)

شکر

شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآر
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

زنان در هیاهوی ماجراهای شهریور ۱۳۲۰



غلامرضا آذری خاکستر
نویسنده و پژوهشگر تاریخ



در بررسی تاریخ و تحولات شهر مشهد، به‌ویژه مقارن جنگ جهانی دوم که مشهد در اشغال سربازان روسی است، مسائل و مشکلات زنان واکاوی نشده است. آیا در چنین شرایطی، زنان از امنیت کافی برخوردارند؟ واقعیت امر این است که سیاست روس‌ها در مواجهه با شهروندان مشهدی سخت‌گیرانه نبوده، هرچند در اسناد و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی نمونه‌هایی از تجاوز و دست‌اندازی به جان و مال مردم گزارش شده است. در خاطرات خانم باشی‌زاده فخار، یکی از فرهنگیان قدیمی مشهد، روایت‌هایی از حوادث و اتفاقات شهریور ۱۳۲۰ وجود دارد که شرایط زنان در آن ایام را به‌خوبی بازگو می‌کند.

فاطمه باشی‌زاده فخار دوم بهمن سال ۱۳۰۴ در محله سربازان مشهد به دنیا آمد و چنان که بیان می‌کند، اجدادش در عهد قاجار از هرات به مشهد مهاجرت کرده و در این شهر به شغل فخاری در کوره‌های آجر مشغول بوده‌اند. او از سال ۱۳۱۰ در دبستان فروغ به تحصیل مشغول می‌شود و پس از پایان تحصیلات ابتدایی، وارد دبیرستان شاهدخت می‌شود که در آن زمان دانشسرای مقدماتی دختران بود. خانم باشی‌زاده از هفده‌سالگی به عنوان معلم ریاضی به استخدام اداره فرهنگ و معارف درمی‌آید و در مدرسه آزادی مشهد مشغول کار می‌شود. سپس رئیس آموزشگاه حرفه‌ای دختران در محله عشرت‌آباد مشهد می‌شود و مرکز رفاه نابینایان را در مشهد راه‌اندازی می‌کند.

«در جریان جنگ جهانی دوم، خراسان جولانگاه سربازان روسی بود. شبی که روس‌ها وارد مشهد شدند، ما در یکی از روستاهای اطراف مشهد عروسی دعوت بودیم. در آن ایام عروس را با اسب به خانه دادام می‌بردند. ناگهان شب روس‌ها وارد روستا شدند. عروس و داماد فرار کردند و عروسی به هم خورد. ما هم از ترس فرار کردیم و به مشهد بازگشتیم.» وی که زمان جنگ جهانی دوم و اشغال مشهد ۱۶ سال سن بیشتر نداشته است، ضمن مرور خاطراتش می‌گوید: «در آن ایام، در خیابان رازی زندگی می‌کردیم که تعدادی از افسران ارتش مستاجر پدرم بودند. وقتی جنگ شد، به ما گفتند ماشین می‌آید. از مشهد برویم. من و خانواده عمومیم به همراه چند خانواده از افسران لشکر خراسان، سوار ماشین باری نظامی شدیم. همان طور که می‌رفتیم، روس‌ها بمب می‌انداختند. پس از چند ساعت، به دهی در اطراف تربت رسیدیم. چند روزی از ما پذیرایی کردند. اوضاع که آرام شد، به مشهد بازگشتیم. در ایامی که روس‌ها در مشهد مستقر بودند، یک روز پس از زیارت حرم، در راه بازگشت به خانه، سوار درشکه بودیم. وقتی درشکه به حوالی خیابان ارگ رسید، ناگهان سربازی روسی خود را بالای درشکه رساند. در آن زمان، اغلب درشکه‌چی‌ها از مهاجران بودند و تا اندازه‌ای با زبان روسی آشنایی داشتند. درشکه‌چی به زبان روسی گفت: این از نجیب زادگان است. و سرباز روسی پیاده شد.»

خانم باشی‌زاده فخار با اشاره به همه‌گیری بیماری‌های واگیر مقارن اشغال مشهد، از بیماری تیفووس نام می‌برد و می‌گوید یکی از دوستانش به دلیل ابتلا از بین رفته است. حضور زنان و کودکان آواره لهستانی در مشهد و آسکان آن‌ها در خیابان‌های خنجرسی نیز بخشی از خاطرات ماندگار این معلم در سال‌های سخت اشغال نظامی است.

مادر آرزوها

سمیرا شاهوردی، بانوی مشهدی که این روزها در منطقه محروم جازموریان کرمان مدرسه می‌سازد، یک دهه است به صورت داوطلبانه از مردم نیازمند حمایت می‌کند. او در ۸ هزار و ۴۰۰ آرزو را با کمک نیکوکاران برآورده کرده است. بانو شاهوردی سال ۹۷ به عنوان چهره جوان انقلاب اسلامی انتخاب شد.



ضمیمه روزنامه شهرآر
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

بانو و جوانی خویش

• نویسنده: ناهید طباطبایی

به دست گرفتن کتاب‌های جمع‌وجور و داستان‌هایی که با حال و هوا و علاقه ما سازگار باشد، می‌تواند تمرین خوبی برای مطالعه بیشتر شود. مجموعه داستانی که امروز برایتان معرفی می‌کنیم «بانو و جوانی خویش» است، نوشته خانم ناهید طباطبایی. به احتمال نام ایشان را با کتاب مشهورشان، «چهل سالگی»، شنیده‌اید، زمانی که فیلمی به همین نام از روی آن ساخته شد. مجموعه «بانو و جوانی خویش» ۶ داستان دارد که عنوان‌های آن‌ها از این قرار است: «بختک»، «بانو و جوانی خویش»، «گمشده»، «زندانی کوچک»، «موسم گل» و «جواب‌ها».

همان‌طور که پیش از این گفتیم، داستان‌ها بسیار جمع‌وجور و با حال و هوایی زنانه‌اند. این مجموعه اولین داستان‌هایی است که از خانم طباطبایی چاپ شده است. به همین دلیل، شاید به قوت و عمق داستان‌ها و کتاب‌های بعدی ایشان نباشد اما خواندن آن است. از طرفی، کمک می‌کند اگر اهل نوشتن هستید، اعتمادبه‌نفس بیشتری برای به قلم آوردن ذهنیات داستانی خود پیدا کنید.

ناهید طباطبایی سال ۱۳۳۷ در تهران متولد شد. او دانش‌آموخته رشته ادبیات دراماتیک و نمایشنامه‌نویسی از مجتمع دانشگاهی هنر است. او نوشتن را از نوجوانی آغاز کرده، اولین مجموعه داستان خود را سال ۱۳۷۱ به چاپ رسانده و تاکنون کار داستان‌نویسی و ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی را ادامه داده است.

بانو و جوانی از دست رفته

نگاهی کوتاه به کتاب «بانو و جوانی خویش»

بارها در همین ستون، کتاب‌هایی برایتان معرفی کرده‌ایم که از نظر کوتاهی داستان‌ها، حجم کم کتاب و جذابیت و روانی داستان، به درد کسانی می‌خورده‌اند که مایل‌اند مطالعه جدی داستان را شروع کنند اما نمی‌دانند از کجا و با چه داستانی. از سوی دیگر، این روزها که همه ما به دلایل مختلف فرصت کمی برای مطالعه داریم یا دغدغه‌های دیگر اجازه نمی‌دهد دقایقی به این علاقه‌خوبان پاسخ بگوییم، حس و حال بدی از این کتاب‌خواندن طولانی داریم. ما هم چنان برای درمان این کتاب‌خوانی ناخواسته، پیشنهادهایی داریم!